

تأثیر عیوب بر تفریق زوجین در فقه حنفی

تأثیر العیوب علی التفریق بین الزوجین فی الفقه الحنفی

The Effect of Imperfections on the Separation of Couples in Hanafi Jurisprudence Hanefi Fıkında Kusurların Eşlerin Ayrılığı (Tefrık) Üzerindeki Etkisi

محمد عمر قاریزاده^۱

چکیده

عقد نکاح از جمله دستورات و نعمات الهی می‌باشد که بر اساس پایه دوستی و محبت بناء شده است؛ اما موجودیت عیوب این پیوند را به چالش می‌کشاند، زیرا موجب ضرر رسیدن برای زوجین می‌شود. این مقاله قصد دارد تا به بررسی عیوب و تأثیر آن بر تفریق زوجین از نظر فقه حنفی بپردازد و ملاحظات شرعی و اخلاقی آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. هدف اساسی این تحقیق شناخت تأثیر عیوب بر تفریق زوجین در مذهب فقهی احناف می‌باشد. بحث حاضر از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا دانستن مسایل عیوب برای همه مخصوصاً جوانان لازم است و فهم آن زمینه‌ساز یک پیوند عقد ازدواج خوب و بدون مشکلات می‌گردد. هم‌چنان در یک کشور اسلامی برای اطباء و متخصصین ضرور است، احکام لامی را در مورد تداوی عیوب اعضای انسان دانسته و بتوانند در روشنایی آن وجیه خویش را بدون واقع شدن به محرمات انجام دهند. در این تحقیق به مطالعه تحلیل و ارزیابی مطالب از روش توصیفی- تحلیلی و در گردآوری مطالب آن از روش کتابخانه‌ای استفاده صورت گرفته است. بعد از بررسی و تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که موجودیت عیوب در فقه حنفی برای زوجه حق خیار تفریق را ثابت می‌کند، و عیوب نزد شیخین رحمهما الله محصور (جب، عنه، خصاء، خنثی، شکاز) است و نزد امام محمد رحمه الله معدود نبوده هر نوع عیوب که موجب ضرر برای زوجه شود خیار تفریق را برای زوجه ثابت می‌کند.

کلمات کلیدی: تأثیر، تفریق، عیوب، فقه حنفی، نکاح

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2026.216>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

24.02.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

14.12.2025

تاریخ نشر / Publication Date

28.07.2026

^۱ پوهنمل، عضو دیپارتمنت فقه و قانون، پوهنهی شرعیات، پوهتون بلخ، افغانستان.

ORCID

[0000-0002-5622-8114](https://orcid.org/0000-0002-5622-8114)

E-Mail

omarqarizada11@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین

Turnitin بررسی شده Plagiarism یا

سرقت ادبی ثبت نگردید.

This article has been scanned by
Turnitin. No Plagiarism
detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation :

محمد عمر قاریزاده تأثیر عیوب بر تفریق زوجین در فقه حنفی، "مجله دیوان" ۲/۷ (سرطان ۱۴۰۵)، ۱۹۳-۲۲۰.

Mohammad Omar Qarizada, "The Effect of Defections on the Separation of Couples In Hanafi Jurisprudence", *Diwan Journal* 7/2 (July 2026), 193-220.

الملخص

عقد النكاح من النعم الإلهية التي تقوم على أساس الصداقة والمحبة، إلا أن وجود العيوب في هذا يطرح تحديات كبيرة لأنه تؤدي إلى ضرر للزوجين. الهدف من هذا البحث دراسة العيوب وتأثيرها على التفريق بين الزوجين من الناحية الفقهية، وتحليل الملاحظات الشرعية والأخلاقية المرتبطة بذلك. الهدف الأساسي معرفة مدى تأثير عيوب الزوجية على التفريق بين الزوجين وفقاً للمذهب الفقهي الحنفي. هذا البحث ذو أهمية خاصة، لأنه من الضروري معرفة مسائل العيوب، وخاصة للشباب، إذ إن فهمهم يساهم في بناء عقد زواج سليم وخالٍ من المشاكل. كما أنه من الضروري للأطباء والمتخصصين في البلاد الإسلامية أن يعرفوا أحكام الإسلام فيما يتعلق بعلاج عيوب الأعضاء البشرية وأن يكونوا قادرين على أداء واجبهم في ضوء تلك الأحكام دون الوقوع في المحرمات. في هذا البحث، تم استخدام المنهج الوصفي التحليلي في دراسة وتحليل الموضوع، وتم جمع المعلومات باستخدام المنهج المكتبي. بعد البحث والتحقيق، توصلنا إلى أن وجود العيوب في الفقه الحنفي يثبت للزوجة حق الخيار في التفريق، وأن العيوب التي تقرها الشيوخ رحمهم الله محصورة في (الجب، العنة، الخضاء، الخنثى، الشكاز). بينما عند الإمام محمد رحمه الله ليست محصورة، بل أي نوع من العيوب التي تلحق الضرر بالزوجة يثبت لها الخيار في التفريق.

الكلمات المفتاحية: التأثير، التفريق، العيوب، الفقه الحنفي، النكاح

Abstract

Marriage is one of the divine commandments and blessings, founded upon friendship and affection. However, the presence of certain defects can challenge this sacred bond and may cause harm to both spouses. This article aims to examine such defects and their impact on the dissolution of marriage from a jurisprudential perspective, while analyzing the associated religious and ethical considerations. The core objective of this study is to explore the effects of defects on marital separation within the Hanafi school of Islamic jurisprudence. This discussion holds particular significance, as understanding issues related to marital defects is essential for all, especially the youth, as it paves the way for a healthy and problem-free marital contract. Furthermore, in an Islamic country, it is crucial for medical professionals and specialists to be aware of Islamic rulings regarding the treatment of human defects, enabling them to perform their duties in accordance with these principles without engaging in prohibited actions. This study employs a descriptive-analytical method for the analysis and evaluation of content and utilizes a library-based approach for data collection. Following comprehensive research and analysis, it was concluded that the presence of certain defects in Hanafi jurisprudence grants the wife the right to separation (option of annulment).

According to the views of the two Sheikhs (may Allah have mercy on them), these defects are limited to impotence, absence of the male organ, castration, hermaphroditism, and severe leprosy. In contrast, Imam Muhammad (may Allah have mercy on him) maintains that defects are not limited to a few; rather, any defect that causes harm to the wife establishes her right to seek separation.

Keywords: Effect, Separation, Faults, Hanafi Jurisprudence, Marriage

Özet

Nikâh akdi, Allah'ın emir ve nimetlerinden olup dostluk ve sevgi temeli üzerine kurulmuştur. Ancak mevcut kusurlar bu bağı tehdit etmekte, çünkü eşlere zarar vermektedir. Bu makale, kusurların (ayıpların) fikhî açıdan eşlerin ayrılığı (tefrik) üzerindeki etkilerini incelemeyi ve onunla ilgili şer'î ve ahlâkî hususları tahlil etmeyi amaçlamaktadır. Bu araştırmanın temel hedefi, Hanefî fıkıh mezhebinde kusurların tefrik üzerindeki sonuçlarını ortaya koymaktır. Konu özel bir öneme sahiptir; zira özellikle gençler için ayıplar meselesini bilmek gerekli olup, bunun anlaşılması iyi ve sorunsuz bir evlilik bağının kurulmasına zemin hazırlar. Ayrıca İslâm ülkelerinde hekimler ve uzmanlar için de zarurîdir ki, insan organlarındaki kusurların tedavisiyle ilgili İslâmî hükümleri bilip, bu doğrultuda görevlerini harama düşmeden yerine getirebilsinler. Bu çalışmada betimleyici-analitik yöntem kullanılmış, veriler kütüphane araştırması yoluyla toplanmıştır. İnceleme ve araştırma sonucunda elde edilen netice şudur ki: Hanefî fıkında mevcut kusurlar, eşe tefrik hakkı (ayıplardan dolayı evliliği feshetme hakkı) tanımaktadır. Şeyhayn'a göre bu kusurlar sınırlıdır (cüb, aneh, hüsâ, hünsâ, şaqqaz). Ancak İmam Muhammed'e göre bu sınırlı değildir; eşe zarar veren her türlü kusur, tefrik hakkını sabit kılar.

Anahtar Kelimeler: Ayrılık, Etki, Kusurlar, Hanefi Fıkıhı, Nikâh

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه اجمعين.

نکاح به عنوان یکی از مهم ترین بخش های زندگی اجتماعی است که بر پایه دوستی، محبت و توافق بین زوجین بناء شده است. این پیوند نه تنها به تأمین نیازهای عاطفی و جسمی افراد کمک می کند؛ بلکه موجب تشکیل خانواده و جامعه سالم می شود. با این حال، برخی از عوامل می توانند به این پیوند آسیب برسانند که یکی از آنها وجود عیوب و نواقص در یکی یا هر دو طرف ازدواج است.

عیوب می توانند به شکل های مختلفی بروز کنند، از جمله عیوب جسمی، اختلالات روانی، یا نواقص اخلاقی. این عیوب می توانند به تأثیرات منفی جدی بر یک ازدواج منجر شوند، از کاهش رضایت زناشویی گرفته تا بروز تعارضات و در نهایت انحلال ازدواج.

با توجه به افزایش روزافزون همچون مسایل خانوادگی در جوامع امروزی، جنبه های فقهی این نوع تفریق ها باید مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که آیا موجودیت این عیوب می تواند بر زندگی زنا شوهری تأثیر بگذارد یا خیر؟

این مسأله به بررسی عمیق فقهی نیاز دارد که ما سعی کردیم تمام جوانب آنرا مد نظر گرفته حکم فقهی آنرا بیان کنیم. شناسایی و تحلیل عیوب و نواقص در ازدواج نه تنها به پیشگیری از مشکلات آینده کمک می کند؛ بلکه می تواند به افراد در انتخاب شریک زندگی مناسب یاری رساند. در این تحقیق، به بررسی انواع عیوب، تأثیرات آنها بر تصمیم گیری در امر نکاح و راهکارهای ممکن برای مواجهه با این چالش ها خواهیم پرداخت.

تحقیق حاضر که پیرامون موضوع فقهی در بخش خانواده ارتباط دارد از اهمیت زیادی برخوردار می باشد زیرا در یک کشور اسلامی لازم است که جوانان مسلمان قبل از ازدواج مسایل مربوط به زندگی زنا شوهری را بدانند تا علاج واقعه قبل از وقوع حادثه صورت گیرد از جانب دیگر اطباء و متخصصین، احکام اسلامی را در مورد تداوی جراحات اعضاء پیرامون عیوب موجوده در زوجین دانسته و در هنگام جراحی و تداوی مریضان و کمک به آنها کاری نکنند که مخالف احکام شریعت اسلامی باشد.

هدف اصلی این تحقیق شناخت عیوب و تأثیر آن بر تفریق وجدایی زوجین می باشد که بر اساس فقه مذهب حنفی مورد بررسی و ارزیابی قرار میگیرد.

تحقیق حاضر در صدد پاسخ به سوالات ذیل می باشد:

آیا موجودیت عیوب می تواند بر تفریق زوجین تأثیر بگذارد؟

از نظر مذهب احناف کدام نوع عیوب موجب تفریق زوجین میگردد؟

موضوع عیوب و تأثیر آن بر تفریق زوجین یکی از موضوعات داغ و بحث امروز است، فقهای کرام با توجه به منابع فقهی حکم آنرا در لابلای مباحث احوال شخصیه بیان داشته اند. بنابراین تا جایی که جست و جو کردم حسب معلومات پیرامون موضوع عیوب نوشته‌ها اکثراً به زبان عربی بوده و در داخل کشور راجع به موضوع احوال شخصیه نوشته‌های به زبان‌های ملی صورت گرفته؛ اما در مورد عیوب بحث‌ها به طور اجمالی می‌باشد که در ذیل به تعدادی از آن نوشته‌ها اشاره می‌شود:

۱. «حقوق فامیل» از پوهاند داد محمد نذیر (۱۳۹۰ ه.ش). یک‌تن از استادان برحال پوهنخی شرعیات پوهنتون کابل می‌باشند. کتاب جامع و مفید است که در برگیرنده مباحث فقهی و قانونی می‌باشد؛ اما در این کتاب راجع به عیوب طور اجمالی بحث صورت گرفته و نیاز تحقیق بیشتر دارد.

۲. «حقوق فامیل» از عبد القادر عدالت‌خواه (۱۳۹۶ ه.ش). این کتاب مباحث نکاح و طلاق را بررسی نموده و در مورد عیوب در صفحه ۱۴۹ آن به طور اجمالی بحث شده است و نیاز به توضیحات بیشتر دارد.

۳. «العیب کسب للتفریق بین الزوجین فی الفقه الاسلامی والقانون المدنی الأفغانی» (۲۰۲۱ م). مقاله تحقیقی است از دکتر نجیب الله صالح و عبدالرحمن خاکسار، این مقاله مفید است اما به زبان عربی می‌باشد.

۴. «شرح قانون مدنی افغانستان حقوق فامیل» از نظام الدین عبدالله (۱۳۹۷ ه.ش). درین کتاب مباحث احوال شخصیه مورد بررسی قرار گرفته؛ اما در قسمت موضوع عیوب کمتر بحث شده و نیاز مند تحقیق بیشتر است.

۵. «الفقه الاسلامی وادله» اثر محمد مصطفی وهبه زحیلی، درین این کتاب پیرامون موضوع عیوب بحث صورت گرفته اما این کتاب به زبان عربی می‌باشد و خوانندگان همه به زبان عربی تسلط ندارند.

با توجه به گفته‌های فوق اثر و تألیفاتی که در ارتباط به احوال شخصیه بخش نکاح از طرف محققین صورت گرفته، هرکدام دارای ارزش و اهمیت است؛ اما در پهلوی آن مواردی در آن نوشته‌ها دیده می‌شود قابل توجه بوده و نیازمند تحقیق بیشتر است. فلذاً تحقیق حاضر در صدد توضیحات و تفصیل بیشتر عیوب و تأثیر آن بر تفریق زوجین به اساس مذهب حنفی است و تکرار کارهای سابق محسوب نمی‌شود؛ بلکه به گسترش و توسعه‌ای این مبحث می‌انجامد. قابل ذکر است این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با اتکاء بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

ساختار کلی و مباحث اصلی تحقیق حاضر شامل موضوعات ذیل می باشد؛ تعریف تفریق و عیوب، مشروعیت تفریق به سبب عیب، حصر و تعلیل عیوب نزد فقهای حنفی، شرایط حق خیار تفریق بر زوجه، آثار مرتبه بر تفریق زوجین، توضیح و حکم عیوب (جب، عنه، خصی، خثی، شکاز) بر اساس دیدگاه فقهای احناف و در اخیر با ذکر نتیجه گیری و ثبت منابع موضوع خاتمه می یابد.

۱. کلیات و مفاهیم اساسی

۱.۱. تعریف نکاح و تفریق در فقه حنفی

الف- نکاح در لغت: مصدر فعل (نکح ینکح) می باشد و به معنای ضم و یکجا نمودن را گویند،^۱ که شامل عقد نکاح و وطی هردو می شود. چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَابْتُلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...﴾^۲ ترجمه: "و امتحان کنید یتیمان را؛ تا آنگاه که رسند به حد نکاح ...". و هم چنان خداوند متعال می فرماید: ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ﴾^۳ ترجمه: "پس اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر باز هم) او را طلاق داد، از آن به بعد زن بر او حلال نخواهد بود، مگر این که با شوهر دیگری ازدواج کند".

کلمه نکاح به معنی وطی از این حدیث دانسته می شود که در مورد جواز معامله شوهر با خانمش در جریان عادت ماهوار است و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: اَصْنَعُوا كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا النِّكَاحَ^۴ ترجمه: "هرشی و معامله بدون از وطی را انجام دهید".

ب- نکاح در اصطلاح فقهای احناف: در رد المحتار علی الدر المختار نکاح چنین تعریف شده: «النَّكَاحُ هُوَ عَقْدٌ يُفِيدُ مِلْكَ الْمُتَعَةِ بِالْإِثْنَيْنِ قَصْدًا، أَيْ يُفِيدُ حِلَّ اسْتِمْتَاعِ الرَّجُلِ مِنْ امْرَأَةٍ لَمْ يَمْنَعْ مِنْ نِكَاحِهَا مَانِعٌ شَرْعِيٌّ»^۵ ترجمه: "نکاح عبارت از عقدیست که برای مالک شدن منافع (بضعه) زن قصداً وضع شده است، یعنی برای مرد استفاده و بهره برداری از زنی را که کدام مانع از موانع شرعی نکاح او را منع نکند به امر قصدی و مباشر حلال می گرداند".

^۱ محمد معین، فرهنگ معین (تهران: کیهان، ۱۳۸۱ ه. ش)، ۱۳۸/۵.

^۲ ترجمه قرآنکریم، مترجم. مولانا محمود حسن (بی جا: نشر احسان، بی تا)، النساء ۶/۴.

^۳ البقره ۲۳/۲.

^۴ مسلم بن الحجاج القشیری، صحیح المسلم (بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ه. ق)، "باب الحيض"، ۷ (۳۰۲).

^۵ محمد امین بن عمر ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ ه. ق)، ۲/۲۵۸.

۲.۱. تعریف تفریق

الف- تفریق در لغت: مصدر باب تفعیل است و اصل ماده آن (فرق یفرق تفریقاً) می‌باشد. و به معنای دور کردن، جدا کردن، شکافتن، نقیض یکجا کردن استعمال شده است.^۶

ب- تفریق در اصطلاح فقهای احناف: اصطلاح تفریق نزد فقهاء به همان معنای لغوی آن به کار رفته و خارج از آن نمی‌باشد؛ و در باب نکاح تفریق را چنین تعریف می‌کنند: «التفریق هو منع الرجل من جماع زوجته یا یقاع القاضي الطلاق علیه کتفریق القاضي بینهما للعتة، أو بغير طلاق کالتفریق بینهما للردة»^۷ ترجمه: "تفریق به معنای منع شوهر از همبستر شدن به زوجه اش توسط قاضی با واقع کردن طلاق به نیابت از شوهر؛ مانند: تفریق بین زن و شوهر به سبب عیب عنه یا بدون طلاق (به طریق فسخ)؛ مانند: تفریق بین آنها به سبب ارتداد".

۳.۱. تعریف عیوب در فقه حنفی

الف- عیب در لغت: عیب مصدر فعل (عاب یعیب عیباً) می‌باشد و به معنای نقص، کاستی و نقیض سلامت است و جمع آن اعیاب و عیوب می‌باشد.^۸

ب- عیب در اصطلاح فقه حنفی

فقهای احناف (امام ابو حنیفه، امام ابو یوسف، امام محمد) رحمهم الله اصطلاح عیب را تعریف نکرده اند. اما با توجه به عبارات که درین بحث استفاده کرده اند می‌توان عیب را چنین تعریف کرد:

نزد امام ابو حنیفه و ابو یوسف رحمهما الله عیب آن چیزی است که مقصود اصلی و شرعی نکاح را معدوم سازد، به عبارت دیگر حق وطی و همبستری را که زن نسبت به شوهر دارد از بین ببرد، عیب شمرده اند.

چنانچه در «بدائع الصنائع» از امام ابو حنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله نقل شده: «أَنَّ الْخِيَارَ فِي تِلْكَ الْعُيُوبِ ثَبَتَ لِدَفْعِ ضَرَرٍ فَوَاتٍ حَقَّهَا الْمُسْتَحَقُّ بِالْعَقْدِ وَهُوَ الْوُطْءُ مَرَّةً وَاحِدَةً وَهَذَا الْحَقُّ لَمْ يَفُتْ بِهَذِهِ الْعُيُوبِ لِأَنَّ الْوُطْءَ يَتَحَقَّقُ مِنَ الزَّوْجِ مَعَ هَذِهِ الْعُيُوبِ فَلَا يَنْبُتُ الْخِيَارُ»^۹ ترجمه: "حق خیار (تفریق) درین عیوبها به خاطر دفع ضرر از بین رفتن حق زن است؛ حقی که به سبب عقد برای او ثابت شده، یعنی یک بار امکان آمیزش جنسی. و این حق با این نوع عیوبها از بین

^۶ ابوالحسن علی بن اسماعیل المرسى، المحکم والمحیط الاعظم، محقق. عبدالحمید الہنداوی (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ھ.ق)، ۳۸۳/۶.

^۷ محمد رواس قلعه جی، معجم لغة الفقهاء (کراچی: انتشارات ادارة القرآن و العلوم الاسلامیة، بی تا)، ۱۳۹.

^۸ محمد بن احمد ازهر والہروی، تہذیب اللغة، محقق. محمد عوض مرعب (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱م)، ۱۵۰/۳.

^۹ علاء الدین الکاسانی، بدائع الصنائع (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ھ.ق/۱۹۸۶م)، ۳۲۷/۲.

نمی رود؛ زیرا آمیزش از جانب شوهر با وجود این عیب ها نیز ممکن است. پس در چنین حالتی حق خیار (تفریق) برای زن ثابت نمی شود".

نزد امام محمد رحمه الله عیب: عبارت از هر آن چیزی است که موجب ضرر رسیدن به زوجه گردد و ادامه زندگی را مختل سازد، یعنی زندگی جز با تحمل ضرر ممکن نباشد. چنانچه در عبارت «المحیط البرهانی» از امام محمد رحمه الله نقل شده: «وللمرأة الخيار في الجنون والجذام وكل عيب لا يملكها المقام معه إلا بضرر، ألا ترى أنه لها ثبت الخيار في الجبّ والعنة وإنما ثبت دفعاً للضرر عنها»^{۱۰} ترجمه: "زوجه در صورت موجودیت جنون جذام و هرگونه عیب دیگر که جز با تحمل ضرر ادامه زندگی با شوهر ممکن نباشد حق خیار تفریق را دارد، مانند اینکه در جب و عنه برای زن خیار تفریق به خاطر دفع ضرر ثابت است".

۲. مبانی مشروعیت تفریق به سبب عیوب

از نظر فقهای احناف (امام ابو حنیفه، امام ابو یوسف، امام محمد) رحمهم الله هرگاه زوجه ادعای معیوب بودن زوج خود را نماید و آنرا ثابت کند برای زوجه حق خیار تفریق حاصل می شود؛ اما وجود عیب در زوجه موجب حق خیار برای زوج نمی گردد زیرا او مالک طلاق است اگر خواست طلاق می دهد و ضرر را از خود دفع میکند.^{۱۱} چنانچه در عبارت فقهی می آید: «بِخلافٍ ما إذا كانت هذه العيوب في جانب المرأة لأن الزوج وإن كان يتضرر بها لكن يمكنه دفع الضرر عن نفسه بالطلاق فإن الطلاق بيده والمرأة لا يمكنها ذلك لأنها لا تملك الطلاق فتعين الفسخ طريقاً لدفع الضرر»^{۱۲} ترجمه: "برخلاف هنگامی که این عیب ها در جانب زن باشد؛ زیرا اگرچه شوهر از این عیب ها آسیب می بیند؛ اما می تواند این ضرر را با طلاق از خود دفع کند، چون حق طلاق در اختیار اوست. ولی زن چنین قدرتی ندارد، چون مالک طلاق نیست؛ بنابراین تنها راه دفع ضرر برای او فسخ (تفریق) نکاح است".

وبه دلایل ذیل استناد می کنند:

۱. اثر ابن مسعود رضی الله عنه: «لا ترد الحرة عن عيب»^{۱۳} ترجمه: زن آزاد به سبب عیب، رد کرده نمی شود.

^{۱۰} برهان الدین محمود بن أحمد نجاري، المحيط البرهاني في الفقه النعماني (بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۴هـ.ق)، ۱۷۶/۳.

^{۱۱} محمد بن أحمد سرخسي، المبسوط (بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴هـ.ق)، ۹۵/۵.

^{۱۲} الكاساني، بدائع الصنائع، ۳۲۷/۲.

^{۱۳} ابوبكر بن ابي شيبة عبدالله بن محمد عيسى، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار (رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹هـ.ق)، ۴۸۷/۳.

۲. از سیدنا ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: ترجمه: {الاضر ولاضرار}^{۱۴} ترجمه: "نه ضرر پذیر باید بود و نه ضرر رسان!". به عبارت دیگر، هیچ ضرری (به خود) و هیچ زیان رسانی (به دیگران) پذیرفتنی نیست."

۳. معقول: حق مقاربت برای زن به سبب عقد ازدواج مشروع است و در صورت عجز و ناتوانی از جماع عقد لازم شود، زوجه متضرر می گردد.^{۱۵} چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾^{۱۶} ترجمه: "و پروردگارت به هیچ کسی ستم نمیکند."

لازم دانستن عقد در این حالت، منجر به تناقض می شود و آن محال باشد؛ زیرا خداوند متعال دو امر را بر شوهر واجب گردانیده؛ یا امساک به معروف یا تسریع به احسان؛ چنان که فرموده است: ﴿إِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيعُ بِإِحْسَانٍ﴾^{۱۷} ترجمه: "پس از آن، [مرد یا باید همسرش را] به طرز شایسته نگاه دارد یا به نیکی رها کند".

واضح است که لزوم عقد نکاح برای شوهر بر زن در حالیکه زن از منفعت زوج محروم باشد هیچ گاه مصداق امساک به معروف نمی باشد. بنابراین تسریع به احسان (طلاق) است که بر شوهر واجب می گردد اگر به اختیار طلاق دهد مشکل حل می شود، در غیر صورت قاضی به نیابت از شوهر طلاق می دهد.^{۱۸}

۳. اقسام عیوب موجب بر تفریق زوجین در فقه اسلامی

عیوب که برای انسان موجود است به طور عام شامل سه مورد می باشد.

اول: عیوب جسمی؛ این نوع عیب می تواند در اعضای بدن زنان و مردان به طور مشترک بوجود آید مانند: جذام،^{۱۹} برص،^{۲۰} عذیبه.^{۲۱}

^{۱۴} محمد بن یزید ابن ماجة القزوينی، سنن ابن ماجة (بیروت: دار إحياء الكتب العربية. بی تا)، "من بني في حقه ما يضر"، ۱۷ (۲۳۴۰). ۷۸۴/۲.

^{۱۵} السرخسي، المبسوط، ۱۰۰/۵.

^{۱۶} الکهف ۴۹/۱۳.

^{۱۷} البقره ۲۲۵/۲.

^{۱۸} الکاسانی، بدایع الصنائع، ۳۲۳/۲.

^{۱۹} جذام: بیماری شدید پوستی مسری که اعضا را فاسد کرده و به تدریج موجب ریزش گوشت و بی حسی می شود؛ اسحاق بن منصور المروزی، مسایل الإمام احمد بن حنبل و اسحق بن راهویه (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۲۵ه.ق)، ۱۵۱۴/۴.

^{۲۰} برص: پیسی شدید که سفید شدن گسترده پوست و تغییر غیرطبیعی ظاهری است. فخر الدین عثمان بن علی الزیلعی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۱۳ه.ق)، ۲۵/۳.

^{۲۱} عذیبه: به کسی گفته میشود که هنگام جماع بول و یا ادارش را کنترل نتواند و از بدنش خارج گردد. وزارة الاوقاف و الشؤون الإسلامية. الموسوعة الفقهية الكويتية (کویت: دار السلاسل، ۱۴۰۴ه.ق)، ۶۸/۲۹.

دوم: عیوب روانی؛ نوع دیگری از عیوب است این هم می‌تواند طور مشترک میان زنان و مردان پیدا شود مانند: جنون^{۲۲} و اختلالات مزمن. بناء هرگاه مرد به مشکل بیماری روانی مبتلا باشد و توسط دکتور متخصص بخش روانی و عصبی تثبیت گردد حکم موضوع در فتاوی قرشی چنین بیان شده است: الفاظ آن مرد در وقوع طلاق معتبر محسوب نگردیده و زوجه اش طلاق نمیشود.^{۲۳}

سوم: عیوب جنسی؛ این نوع عیب به اعضای مخصوص مردان و زنان بوجود می‌آید به شرح ذیل:

الف: عیوب که مخصوص خانم‌ها مانند: قرن،^{۲۴} رتق،^{۲۵} فتق،^{۲۶} افشاء،^{۲۷} عغل.^{۲۸}

ب- عیوب خاص جنسی مردان مانند: جب،^{۲۹} عنه،^{۳۰} خضاء،^{۳۱} خنثاء،^{۳۲} شکاز.^{۳۳}

۴. بررسی آراء و نظریات فقه‌های حنفی در خصوص عیوب مشترک یا خاص هر جنس

با بررسی منابع و متون فقه حنفی دانسته می‌شود که در مورد حصر و عدم حصر عیوب فقه‌های احناف اختلاف نظر دارند که در ذیل آنرا تفصیل میدهم.

- ^{۲۲} ابو حبيب سعدی، القاموس الفقهي لغتاً واصطلاحاً (دمشق - سوریه: دار الفكر، ۱۴۰۸ هـ.ق)، ۱/۶۹.
- ^{۲۳} عبد الحفيظ قرشي، فتاوی قرشی (افغانستان - جوزجان: مکتبه الایمان، ۱۴۴۵ هـ.ق)، ۲/۱۳۱.
- ^{۲۴} قرن: بیماری یا زائده‌ی گوشتی داخل فرج زن که مانع دخول کامل باشد. گاهی به صورت استخوان یا گوشت سخت رشد می‌کند. احمد بن محمد خلیل، شرح زاد المستقنع من فقه الحنبلي (بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۵ هـ.ق)، ۵/۱۶۵.
- ^{۲۵} رتق: به هم چسبیدن دهانه‌ی فرج زن بر اثر گوشت یا پوست اضافی؛ در نتیجه راه دخول بسته می‌شود. زین الدین ابن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق (بیروت: دار المعرفة، بی‌تا)، ۴/۱۳۷.
- ^{۲۶} فتق: گشاد بودن غیرعادی فرج زن به گونه‌ای که توان نگهداری آلت و مقصود آمیزش تمام نشود؛ خلیل، شرح زاد المستقنع من فقه الحنبلي، ۵/۱۶۶.
- ^{۲۷} افشاء: اتصال مجرای بول یا مدفوع با مجرای فرج زن، به گونه‌ای که ادرار یا غایب از همان مجرای فرج خارج شود. وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية. الموسوعة الفقهية الكويتية، ۲۹/۶۷.
- ^{۲۸} عغل: گوشت‌های اضافی در داخل فرج زن که مانند پوشش یا برجستگی آویزان باشد؛ در دخول ایجاد مانع یا اذیت می‌کند. عبدالله بن احمد ابن قدامه، المغنی (القاهرة: مکتبه القاهرة، ۱۳۸۸ هـ.ق)، ۶/۶۵۰.
- ^{۲۹} جب: قطع شدن آلت تناسلی مرد یا قسمت غالب آن به گونه‌ای که نزدیکی و عمل جنسی ممکن نباشد. ابن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۴/۱۳۳.
- ^{۳۰} عنین: به شخص اطلاق میشود که با وجود داشتن آلت تناسلی مردانه قدرت همبستر شدن و وطی را با زوجه اش نداشته باشد چون نعوظ ندارد. أبو الحسین أحمد بن فارس بن زکریا، ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون (بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ هـ.ش)، ۴/۱۹.
- ^{۳۱} خضاء: قطع، بریدن و یا از بین رفتن بیضه‌ها به گونه‌ای که مرد قدرت باروری یا غالباً توان جنسی را از دست بدهد. ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۳/۱۱۷.
- ^{۳۲} خنثی: حالتی است که فرد هم آلت تناسلی مرد و هم آلت زنانه هر دو را دارا باشد. یا اصلاً هیچ کدام را نداشته باشد. محمد بن احمد سمرقندی، تحفه الفقهاء (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ.ق)، ۳/۳۵۷.
- ^{۳۳} شکاز: به معنای زود انزالی طوریکه مرد قبل از عمل مباشرت انزال گردیده و عضو مخصوص وی سست گردد و دوباره قادر به عمل جنسی نباشد. ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۳/۱۷۵.

نظر اول: از نظر شیخین (امام ابوحنیفه و امام ابویوسف) رحمه‌الله حق مطالبه تفریق محصور به عیوب پنجگانه (جب، عنه، خصاء، خثی، شکاز، می باشد).^{۳۴} و فقهای حنفی، قول شیخین رحمه‌الله را به ثبوت حق خیار تفریق و عدم آن برای زن به جماع تعلیل کرده اند، قسمی که اگر مرد بتواند با زوجه اش جماع کند حق تفریق را ندارد؛ اما هر عیب که مانع جماع شود و آنرا مختل کند درین حالت برای زن حق اختیار تفریق ثابت می شود.^{۳۵} چنانچه در عبارت ذیل میخوانیم: در کتاب «بدائع الصنائع» از امام ابوحنیفه و امام ابویوسف رحمه‌الله نقل شده: «أَنَّ الْخِيَارَ فِي تِلْكَ الْعُيُوبِ ثَبَتَ لِدَفْعِ ضَرَرٍ فَوَاتٍ حَقًّا الْمُسْتَحَقَّ بِالْعَقْدِ وَهُوَ الْوَطْءُ مَرَّةً وَاحِدَةً وَهَذَا الْحَقُّ لَمْ يَنْقُتْ بِهِدِهِ الْعُيُوبُ لِأَنَّ الْوَطْءَ يَتَحَقَّقُ مِنَ الزَّوْجِ مَعَ هَذِهِ الْعُيُوبِ فَلَا يَنْبُتُ الْخِيَارُ»^{۳۶} ترجمه: "حق خیار (تفریق) درین عیوبها به خاطر دفع ضرر از بین رفتن حق زن است؛ حقی که به سبب عقد برای او ثابت شده، یعنی یک بار امکان آمیزش جنسی. و این حق با این نوع عیوبها از بین نمی رود؛ زیرا آمیزش از جانب شوهر با وجود این عیوبها نیز ممکن است. پس در چنین حالتی حق خیار (تفریق) برای زن ثابت نمی شود".

نظر دوم: از نظر امام محمد بن حسن شیبانی رحمه‌الله عیوب در باب احوال شخصیه محدود نمی باشد؛ بلکه معلل اند. و هر عیبی که موجب ضرر رسیدن به زوجه شود و امکان زندگی کردن را مختل سازد مانند جنون، جذام و برص همه می توانند حق خیار تفریق را برای زن ثابت کند. چنانچه در عبارت ذیل میخوانیم: در «المحیط البرهانی» از امام محمد رحمه‌الله نقل شده «وللمرأة الخيار في الجنون والجذام وكل عيب لا يملكها المقام معه إلا بضرر، ألا ترى أنه لها ثبت الخيار في الجب والعنة وإنما ثبت دفعا للضرر عنها»^{۳۷} ترجمه: "زوجه در صورت موجودیت جنون جذام و هرگونه عیب دیگر که جز با تحمل ضرر (زندگی) ممکن نباشد حق خیار تفریق را دارد، مانند اینکه در جب و عنه برای زن خیار تفریق به خاطر دفع ضرر ثابت است".

هم چنان در «بدائع الصنائع» از امام محمد رحمه‌الله نقل شده: «أَنَّ الْخِيَارَ فِي الْعُيُوبِ الْخَمْسَةِ إِنَّمَا ثَبَتَ لِدَفْعِ الضَّرَرِ عَنِ الْمَرْأَةِ وَهَذِهِ الْعُيُوبُ فِي الْحَاقِ الضَّرَرِ بِهَا فَوْقَ تِلْكَ لِأَنَّهَا مِنَ الْأَدْوَاءِ الْمُتَعَدِّيَةِ عَادَةً فَلَمَّا ثَبَتَ الْخِيَارُ بِتِلْكَ فَلَا أَنْ يَنْبُتَ بِهِدِهِ أَوْلَى»^{۳۸}. ترجمه: "حق خیار (تفریق) در عیوب پنجگانه به عنوان وسیله ای برای دفع ضرر از زن ثابت شده است و این عیوبها (که در اینجا مورد بحث اند) در وارد کردن ضرر به زن بیشتر از آن (پنج عیب) هستند؛ زیرا این عیوبها معمولاً

^{۳۴} الکاسانی، بدائع الصنائع، ۳۲۷/۲

^{۳۵} کمال الدین محمد بن عبدالواحد ابن همام، فتح القدیر (پشاور: مکتبه حقانیه، بی تا)، ۲۹۹/۴.

^{۳۶} الکاسانی، بدائع الصنائع، ۳۲۷/۲.

^{۳۷} نجاری، المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی، ۳۵۹/۳.

^{۳۸} الکاسانی، بدائع الصنائع، ۳۲۸/۲.

بیماری‌های مسری و قابل سرایت‌اند، پس وقتی با وجود آن پنج عیب، حق خیار (تفریق) برای زن ثابت شده است، در این عیب‌ها که ضررشان بیشتر است، ثبوت حق خیار (تفریق) به طریق اولی سزاوارتر است".

به طور خلاصه می‌توان حصری که از نظر شیخین و تعلیل که از نظر امام محمد نقل شده است جمع نمود؛ به این گونه که تعلیل در عیوب از نظرشان اصل است و عیوب معلل‌اند؛ و تصریح به حصر را بر عدم تحقق علت مؤثر در غیر عیوبی که تفریق را در آن‌ها منحصر دانسته‌اند، می‌توان حمل نمود.

۵. شرایط و احکام تفریق به سبب عیوب

فقهایی مذهب احناف به شمول امام ابو حنیفه امام ابو یوسف و امام محمد رحمهم الله برای ثبوت حق خیار تفریق زوجه نسبت به عیب موجود در شوهرش شروط آتی را معیار قرار دادند. اینکه به توضیح آن می‌پردازیم:

۱.۵. شرط اطلاع از عیب قبل یا بعد از عقد نکاح

از دیدگاه جمهور فقهاء — به شمول علمای مذهب حنفی — شرط صحت خیار فسخ در نکاح آن است که زن پیش از عقد یا در هنگام انعقاد عقد از عیب شوهر آگاهی نداشته باشد. در صورتی که پس از عقد، زن از وجود عیب اطلاع یافته و با وجود آن به زندگی مشترک ادامه دهد، این امر به منزله رضایت صریح یا رضایت ضمنی تلقی می‌شود؛ مانند تحقق جماع یا تمکین، در چنین حالتی حق خیار تفریق (فسخ نکاح به سبب عیب) ساقط می‌گردد.

با این حال، فقهاء یک استثناء را مطرح کرده‌اند و آن مربوط به عیب عته (ناتوانی جنسی) است. در این مورد، سقوط خیار تنها زمانی تحقق می‌یابد که زن به صورت صریح به این عیب رضایت دهد یا پس از تخییر (اعطای حق انتخاب فسخ یا ادامه زندگی) هم چنان به زندگی مشترک ادامه دهد.^{۳۹}

۲.۵. مهلت طرح دعوای فسخ نکاح

به اتفاق فقهایی کرام در عیب جب تأجیل نیست، فی الحال زوجه حق خیار تفریق را دارد. زیرا تأجیل به خاطر امید امکان جماع است و از مجبوبات حصول جماع ممکن نمی‌باشد. و در عیب عته به اتفاق فقهاء به مدت یکسال به خاطر تداوی مهلت داده می‌شود، و در عیوب خصاء، خشی و تأخذ یا شکاز نیز مانند عته فوریت شرط نمی‌باشد.^{۴۰}

^{۳۹} ابن همام، فتح القدیر، ۳۰۰/۴.

^{۴۰} ابن قدامه، المعنی، ۱۹۹/۴؛ أحمد بن محمد بن علی بن حجر الهیثمی، تحفة المحتاج فی شرح المنهاج (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۷ ه.ق)، ۳۵۰/۷؛ ابن همام، فتح القدیر، ۲۹۹/۴.

۳.۵. موجودیت عیب قبل از دخول

از دیدگاه جمهور فقهاء، در خصوص عیب عنّه (ناتوانی جنسی)، شرط ثبوت حق خیار تفریق برای زوجه آن است که این عیب پیش از دخول موجود باشد. بنابراین، اگر دخول واقع شود، حق فسخ نکاح به سبب عنّه ساقط می‌گردد؛ زیرا تحقق جماع به منزله توانایی شوهر بر انجام وظیفه زناشویی تلقی می‌شود.^{۴۱}

در مقابل، برخی فقهاء دیدگاه متفاوتی ارائه کرده‌اند:

- ابو ثور رحمه‌الله بر این باور است که اگر عجز شوهر از عمل همبستری پس از دخول به وجود آید، باز هم برای زوجه حق خیار تفریق ثابت خواهد بود.^{۴۲}
- در همین راستا، در یک روایت از فقهای حنابله نیز آمده است که ناتوانی جنسی اگرچه پس از دخول حادث شود، می‌تواند موجب ثبوت حق فسخ برای زن گردد؛ زیرا ملاک اصلی، استمرار توانایی بر جماع و تحقق مقاصد نکاح است، نه صرف وقوع دخول در ابتدای زندگی مشترک.^{۴۳}

۴.۵. شرط دخول در ثبوت خیار تفریق به سبب عیب جب

۱.۴.۵. دیدگاه فقهای حنفی و مالکی

فقهای حنفی و مالکی بر این باورند که در عیب جبّ (قطع آلت تناسلی مرد)، شرط ثبوت خیار تفریق برای زن، عدم تحقق دخول است. بنابراین، اگر حتی یک بار دخول واقع شود، حق خیار تفریق به سبب جب ساقط می‌گردد؛ زیرا تحقق جماع نشان‌دهنده امکان انجام وظیفه زناشویی است.^{۴۴}

۲.۴.۵. دیدگاه فقهای شافعی و حنبلی

نزد فقهای شافعی و حنبلی، ثبوت خیار تفریق در عیب جب مشروط به عدم دخول نیست. به عبارت دیگر، حتی اگر دخول صورت گرفته باشد، زن هم‌چنان می‌تواند به سبب جبّ، تفریق را مطالبه کند؛ زیرا ملاک اصلی، استمرار توانایی بر جماع و تحقق مقاصد نکاح است، نه صرف وقوع دخول در ابتدای زندگی مشترک.^{۴۵}

^{۴۱} السرخسي، المبسوط، ۱۰۳/۵.

^{۴۲} الهیتمی، تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، ۳۴۷/۷.

^{۴۳} ابن قدامة، المغنی لابن قدامة، ۲۰۴/۷.

^{۴۴} الزیلعی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ۱۳۵/۴.

^{۴۵} محمد بن أحمد دسوقي، الشرح الكبير للشيخ أحمد الدردير علی مختصر خليل (بیروت: دار الفکر، بی‌تا)، ۲۳۷/۳.

۵.۵. سلامت مدعی تفریق از عیب

در فقه اسلامی، یکی از مباحث مهم در باب خیار تفریق به سبب عیوب، شرط سلامت مدعی از عیوبی است که مانع تحقق مقاصد نکاح می‌گردد.

۵.۵.۱. دیدگاه فقهای احناف

فقهای مذهب حنفی بر این باورند که برای ثبوت حق خیار تفریق به سبب عیب عنه (ناخوانی جنسی مرد)، لازم است که زوجه خود از عیوب مانع جماع سالم باشد. به عبارت دیگر، اگر زن مبتلا به عیوبی چون: قرن (انسداد مجرای تناسلی) رتق (بسته بودن یا غیرقابل نفوذ بودن مجرای تناسلی) باشد، در این صورت ادعای او نسبت به عیب عنه شوهر پذیرفته نمی‌شود و حق خیار تفریق برای وی ثابت نخواهد بود؛ زیرا مانع اصلی در تحقق جماع از جانب زن است نه شوهر.^{۴۶}

۵.۵.۲. روایت از فقهای حنابله

در یک روایت از فقهای حنابله نیز همین شرط ذکر شده است؛ یعنی سلامت زن از عیوب مانع جماع، مقدمه‌ی ثبوت حق خیار تفریق در برابر عیب عنه مرد محسوب می‌شود.^{۴۷}

۶. نقش قاضی و دادگاه شرعی در اثبات و اجرای تفریق

از لابلای مباحث دانستیم که شوهر در صورت موجودیت هر گونه عیب می‌تواند با استفاده از حق طلاق ضرر ناشی از زوجه اش را از خود دور کند- اما در مقابل هنگامیکه شوهر دارای نوع از عیب باشد و نخواهد زوجه اش را آزاد بسازد و زوجه در چنین حالت جز با تحمل ضرر نتواند زندگی کند، آن وقت است که می‌تواند به خاطر دور ساختن ضرر به دستگاه قضایی مراجعه کند و قاضی برای اثبات عیوب شوهر از و سایل روز استفاده نموده و در صورت ثابت شدن عیب و عدم صحت یاب شدن شوهر قاضی می‌تواند میان آن‌ها تفریق آورد و از خانم ضرر ناشی شده از طرف شوهرش را زایل سازد، و زن بعد از سپری نمودن عدت می‌تواند با فرد دیگر ازدواج شرعی نموده به زندگی طبیعی خویش ادامه دهد.^{۴۸}

از دیدگاه امام ابو حنیفه و امام مالک رحمهما الله نوع فرقت به سبب عیب از طرف قاضی بوجود می‌آید طلاق بائن حساب می‌شود؛ زیرا مقصود از تفریق به سبب عیب دور ساختن ضرر است و

^{۴۶} السرخسی، المبسوط، ۱۰۳/۵.

^{۴۷} ابن قدامة، المغنی لابن قدامة، ۲۰۴/۷.

^{۴۸} الکاسانی، بدایع الصنائع، ۳۲۵/۲.

ازاله ضرر با طلاق رجعی حاصل نمی‌شود به خاطریکه شوهر در طلاق رجعی خود مختار به حق رجعت است.^{۴۹}

۷. آثار تفریق به سبب عیوب بر مهر، نفقه و عدت

فقه‌های کرام آثار تفریق به سبب عیب را شامل (مهر، عدت و نفقه) میدانند که ذیلاً بیان می‌کنیم:

۱.۷. مهر

نزد فقه‌های احناف امام ابو حنیفه امام ابو یوسف و امام محمد رحمهم‌الله در صورتی که تفریق قبل از دخول و خلوت صحیح صورت گرفته باشد، به طور مطلق قطع نظر از نوع عیب، نصف مهر لازم می‌گردد. اما در صورت خلوت، اگر عیب عنانت بوده باشد پس از تفریق، زوجه مستحق کامل مهر می‌گردد؛ زیرا زوج تسلیمی که به عقد مستحق شده از طرف زوجه تحقق یافته است. چنانچه حضرت عمر و حضرت علی رضی‌الله عنهما در همین مورد چنین حکم نموده و گفتند: «مَا ذُبْنُ» إِذَا جَاءَ الْعَجْزُ مِنْ قِبَلِكُمْ» ترجمه: «وقتی ناتوانی از سوی شماست، تقصیر ایشان چیست؟!». هم‌چنان در عیب جب از نظر ابوحنیفه رحمه‌الله مهر کامل لازم می‌شود؛ زیرا زوجه تسلیم مستحق به عقد را انجام داده است و حق زوجه در بدل به همین امر ثابت می‌شود؛ بدان دلیل که عقد برای استحقاق مجامعت با زوج منعقد نشده؛ چه مجامعت وجود نداشته؛ بلکه عقد برای ماورای آن منعقد شده که زوجه آنرا انجام داده است.

اما از نظر صاحبان نصف مهر واجب می‌گردد؛ زیرا یقین به عدم وصول به زوجه در این حالت موجود است و عذر جب در زوج از عذر مرض روشن تر است، وقتی مرض مانع صحت خلوت گردد، مجبوبیت او به طریق اولی مانع است به خلاف عنین؛ چون عنانت پوشیده است و بر حقیقت آن وقوف حاصل نمی‌شود.^{۵۱}

۲.۷. عده

نزد امام ابوحنیفه رحمه‌الله بعد از تفریق به سبب عیب در تمام عیوب بر زوجه سپری کردن عدت لازم می‌گردد، به دلیل استحقاق کمال مهر از شوهر؛ اما از یاران بعد از تفریق به سبب عیب (جب) دو قول آمده: سرخسی نقل می‌کند هرگاه مجبوب توانایی انزال را دارا باشد عدت بر زوجه لازم است. در صورت عدم توانای مجبوب عدت بروی لازم نمی‌باشد.^{۵۲}

^{۴۹} برهان الدین مرغینانی، *الهدایة فی شرح البدایة* (کویت: امیر حمزه کتب خانه. بی تا)، ۲/۲۷۳؛ دسوقي، *الشرح الكبير للشيخ أحمد الدردير علی مختصر خليل*، ۲/۲۸۲.

^{۵۰} ابو بکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، *المصنف*، محقق. حبيب الرحمن الاعظمی (بیروت: المکتب الاسلامی،

۱۴۰۳هـ. ق)، ۶/۲۸۸.

^{۵۱} السرخسی، *المبسوط*، ۵/۱۰۲.

^{۵۲} السرخسی، ۵/۱۰۲-۱۰۴.

۳.۷. نفقه

نزد فقهای احناف، تفریقی که به سبب عیب حاصل می شود حکم طلاق بائن را به خود می گیرد و مضاف به شوهر می شود، هر چند که به درخواست زوجه صورت گرفته است. نفقه زمان عدت بالای شوهر لازم است؛ زیرا نفقه جزای احتباس زوجه می باشد.^{۵۳}

۸. دیدگاه فقه حنفی پیرامون عیوب در مقایسه با سایر مذاهب

در مورد عیوب که می تواند موجب تفریق زوجین گردد فقهای مذاهب اختلاف نظر دارند که در ذیل به شکل مقایسوی بیان می گردد.

الف- دیدگاه مذهب فقهای شافعی و مالکی: از نظر این فقهاء عیوب که موجب ثبوت حق تفریق زوجین می گردد شامل چهار مورد: جنون، جذام، برص و عیوب در شرمگاه یعنی قرن و رتق در زن و عنه و خصاء در مرد می باشد.^{۵۴}

هم چنان در روایت دیگر در مذهب مالکی از امام خرسی رحمه الله نقل شده که عیوب شامل سیزده مورد است؛ چهار مورد میان زنان و مردان مشترک: جنون، جذام، برص و عذیطة و چهار عیب مختص مرد: خصاء، جب، عنه و اعتراض و پنج عیب مختص زن: قرن، رتق، بخر، افضاء و عفل.^{۵۵}

ب- دیدگاه فقهای مذهب حنبلی: عیوب که موجب ثبوت حق تفریق زوجین می گردد شامل هشت مورد است سه مورد آن مشترک میان زن و مرد است جنون، جذام و برص؛ دو عیب مخصوص مردان است یعنی جب و عنه و سه مورد مختص زنان می باشد که عبارت از قرن، فتق و عفل می باشد.^{۵۶}

ج- دیدگاه مذهب فقهای حنفی: فقهای حنفی حق تفریق به سبب عیب را منحصر بر زوجه میدانند و از زوج نفی می کنند چون زوج از حق طلاق بر خور دارد است، و در مورد عیوب که موجب ثبوت حق تفریق برای زوجه می شود چنین اختلاف نظر دارند: نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهم الله عیوب که حق خیار تفریق به زوجه را ثابت می کند محصور به جب و عنه می باشد و از عنه تعریف با مفهوم وسیع بیان داشته اند که شامل عیوبی خثناء، خصاء، شکاز می شود؛ اما از

^{۵۳} الکاسانی، بدایع الصنائع، ۱/۶.

^{۵۴} أبو الولید محمد بن أحمد بن محمد بن رشد، بدایة المجتهد ونهاية المقتصد (القاهرة: دار الحديث، ۱۴۲۵هـ.ق).

^{۵۵} ۷۴/۳: محمد بن إدريس الشافعي، الام (بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰هـ.ق)، ۹۱/۵.

^{۵۶} المالكي، منح الجليل شرح مختصر خليل، ۳۸۰/۳۰.

^{۵۷} ابن قدامة، المعنى، ۱۸۵/۷.

نظر امام محمد رحمه الله هر عیب که موجب ضرر رسیدن برای زوجه شود می تواند حق تفریق را ثابت کند.^{۵۷}

۹. موارد افتراق و اشتراک

به اساس آنچه در بحث عیوب بیان داشتیم واضح می شود که نزد جمهور فقهاء (مالکی، شافعی، حنبلی) حق تفریق به سبب عیب برای هریک از زوج و زوجه ثابت است؛ اما در مورد عیوب در برخی موارد اتفاق نظر دارند مانند: عیوب چهارگانه (جنون، جذام، برص و عیوب شرمگاه که شامل: قرن و رتق در زن و عنه و خصاء در مرد می باشد. در برخی دیگر اختلاف دارند طوریکه نزد مالکی ها علاوه از موارد ذکر شده عیب عذیبه که مشترک میان زن و مرد است و جب مختص مرد، و اعتراض بخر، افشاء و عفل مختص زن اضافه می گردد. و حنبلی ها عیب فتق را نیز اضافه می کنند.

نظر فقهای احناف طوریکه تذکر داده شد با نظر جمهور متفاوت است طوریکه در یک نقطه باهم اتفاق نظر دارند و آن ثبوت حق تفریق برای زوجه نسبت به زوج در صورت موجودیت عیب می باشد، و نقطه دوم که اختلاف نظر دارند اینست که برای زوج بر خلاف جمهور حق تفریق را ثابت نمیدانند و آنرا نفی می کنند زیرا زوج می تواند ضرر را با استفاده از حق تطلیق بر طرف کند. هم چنان فقهای مذهب حنفی در مورد عیوبی که موجب ثبوت حق تفریق می شود اختلاف نظر دارند نزد شیخین (امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله) عیوبی که حق خیار تفریق به زوجه را ثابت می کند محصور به (جب - عنه - خنثی - خصاء - تأخذ یا شکاز) است. در حالیکه اما امام محمد رحمه الله عیوب را محصور ندانسته و غیر از این موارد پنجگانه عیوب دیگر را که به زوجه ضرر ایجاد کند سبب ثبوت حق خیار تفریق می داند.

با توجه به نظریات فقهاء اینک به شرح و توضیح صورت های عیوب از منظر فقه حنفی به بحث می پردازیم.

۱۰. تأثیر جب بر تفریق زوجین

جب دارای دو حالت است یکی اینکه قسمتی از آلت تناسلی مرد باقی مانده و امکان جماع است دوم حالتی است که با باقی مانده آلت امکان جماع نیست. بناء حالت اول که آلت وجود دارد و توان جماع را نیز فرد دارا می باشد و امکان معالجه شرعی به اندازه حشفه جواز دارد از نظر امام ابوحنیفه و یاران به اتفاق آراء حق خیار تفریق از زوجه ساقط می شود.^{۵۸}

^{۵۷} الکاسانی، بدایع الصنائع، ۳۲۷/۲.

^{۵۸} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۱۳۳/۴.

حالت دوم بر عنه قیاس می شود با این تفاوت در عنه یک سال فرصت داده می شود که امکان صحت یاب شدن است؛ اما در حالت جب این زمان نیست زیرا فی الحال دانسته می شود، طوریکه اگر شخص مجبوب عمل مباشرت جنسی انجام نداده باشد حق تفریق ثابت است؛ زیرا مقصود اصلی که استمتاع است حاصل نشده و ممکن نیست اما اگر یکبار عمل مباشرت صورت گرفته باشد نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله حق تفریق از وی ساقط می شود، و نزد امام محمد به سبب ضرر ناشی از آن در آینده یعنی محروم شدن از حق استمتاع حق خیار تفریق برای زوجه است. چنانچه در عبارت فقهی ذیل می خوانیم: «وَإِنَّمَا لَمْ يُوجَلْ لَعَدَمِ الْقَائِدَةِ وَلَكَمَا كَانَ التَّفْرِيقُ لِقَوَاتِ حَقِّهَا تَوَقَّفَ عَلَى طَلِبِهَا وَلَمْ يَذْكُرْهُ هُنَا اكْتِفَاءً بِمَا ذَكَرَهُ فِي الْعَيْنِ وَأَشَارَ إِلَى أَنَّهُ لَوْ جُبَّ بَعْدَ الْوُصُولِ إِلَيْهَا مَرَّةً لَا خِيَارَ لَهَا كَمَا إِذَا صَارَ عَيْنًا بَعْدَهُ وَيُلْحَقُ بِالْمَجْبُوبِ»^{۵۹} ترجمه: «و اما چرا در این جا (در مورد مجبوب) تأجیل و مدت داده نشده، به سبب نبودن فایده آن است. و چون تفریق (جدا کردن زن و شوهر) برای از بین رفتن حق زن است، تحقق آن بر درخواست خود زن متوقف می باشد. و او (مصنف) این جا ذکر نکرده چون به آنچه در باب عین گفته بود، بسنده نمود. و با این جمله اشاره کرده که اگر مرد بعد از یک بار نزدیکی کردن، آلتش قطع شود، برای زن دیگر اختیار فسخ نیست؛ همان گونه که اگر پس از آن عین گردد، (باز هم) اختیاری برای زن نیست. و مجبوب (کسی که آلتش قطع شده) به این حکم ملحق می شود».

۱۱. تاثیر خصاء بر تفریق زوجین

در مورد اینکه آیا به سبب نداشتن بیضه برای زن حق اختیار تفریق وجود دارد یا خیر؟ به ماهیت دعوی زن توجه می شود و حکم آن به اساس حالت و کیفیت مدعی (زن) فرق دارد که در ذیل بیان می کنیم:

حالت اول: اگر ادعای زن مبنی بر عقم شوهر ناشی از خصاء باشد؛ نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله که حق تفریق را ندارد زیرا درین حالت امکان جماع وجود دارد و مقصود حاصل می شود، و عقم عیب حساب نمی شود.

حالت دوم: اگر ادعای زن مبنی بر نفرت از تشوه ظاهری اعضای تناسلی شوهر ناشی از خصاء باشد؛ از نظر امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله حکم به اینست که حق تفریق را ندارد زیرا ایشان این حالت را عیب حساب نمی کنند. بر عیب جنون و برص قیاس می شود که در رابطه امام سرخسی می نویسد: «بِهَذِهِ الْعُيُوبِ لَا يَنْسَدُ عَلَيْهَا بَابُ اسْتِيفَاءِ الْمَقْصُودِ إِنَّمَا تَقِلُّ رَغْبَتُهَا فِيهِ أَوْ تَتَأَذَى بِالصُّحْبَةِ وَالْعِشْرَةِ مَعَهُ، وَذَلِكَ غَيْرُ مُثَبَّتٍ لَهَا الْخِيَارَ، كَمَا لَوْ وَجَدَتْهُ سَيِّئَ الْخُلُقِ أَوْ مَقْطُوعَ الْيَدَيْنِ أَوْ

^{۵۹} الکاسانی، بدایع الصنائع، ۳۲۷/۲.

الرَّجُلَيْنِ^{۶۰} ترجمه: "با این‌گونه عیب‌ها، راه رسیدن زن به مقصود زناشویی کاملاً بسته نمی‌شود؛ بلکه فقط میل او به شوهر کم می‌شود یا از هم‌نشینی و زندگی با او اذیت می‌شود، و این امر موجب ثابت شدن حق خیار (تفریق) برای او نیست؛ همان‌گونه که اگر او شوهرش را بد اخلاق یا فردی بیابد که هر دو دست یا هر دو پایش قطع شده."

حالت سوم: اگر ادعای زن مبنی بر عین شدن شوهر ناشی از خصاء باشد؛ درین حالت احکام عنه را می‌گیرد اگر همبستر نشده باشد به اتفاق فقهای احناف حق خیار تفریق را دارد، اگر همبستر شده باشد نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله حق تفریق از وی ساقط می‌شود، و نزد امام محمد رحمه الله به سبب ضرر ناشی از آن در آینده یعنی محروم شدن از حق استمتاع زوجه بر زوج حق خیار تفریق برای زوجه است.^{۶۱}

۱۲. تأثیر عنه بر تفریق زوجین

ابتداء باید گفت که شخصی که مبتلاء به ناتوانی جنسی است دو حالت دارد خلقتی و حادث، اگر خلقتی بود نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله حق خیار تفریق برای زن ثابت است مشروط بر اینکه به هیچ صورت عمل مباشرت صورت نگرفته باشد و به‌خاطر تداوی یک سال فرصت داده شود؛ اما در ناتوانی جنسی حادث یا ثانویه نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله حق خیار تفریق از بین می‌رود زیرا بعد از یکبار عمل جنسی حق قضای وی پایان میابد و آثار نکاح (مهر، نفقه، صفت احسان) ثابت می‌گردد. نزد امام محمد رحمه الله به سبب ضرر ناشی از آن در آینده یعنی محروم شدن از حق استمتاع حق خیار تفریق برای زوجه است.^{۶۲} در رابطه امام سرخسی می‌نویسد: «يُؤَجَّلُ الْعَيْنُ سَنَةً، فَإِنْ وَصَلَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَهِيَ امْرَأَتُهُ، وَإِنْ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهَا فُرِّقَ بَيْنَهُمَا وَجَعَلَهَا تَطْلِيقَةً بَائِنَةً»^{۶۳} ترجمه: "مردی که دچار ناتوانی جنسی (عین) باشد، یک سال به او مهلت داده می‌شود؛ پس اگر در این مدت توانست با همسر خود آمیزش کند، او هم‌چنان همسرش باقی می‌ماند؛ ولی اگر نتوانست، میان آن دو جدایی داده می‌شود و این جدایی، طلاق بائن محسوب می‌گردد".

^{۶۰} السرخسي، المبسوط، ۹۷/۵.

^{۶۱} الزيلعي، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، ۲۲/۳.

^{۶۲} ابن نجيم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۱۳۵/۴.

^{۶۳} السرخسي، المبسوط، ۱۰۰/۵.

۱۳. خنثی

از عیوب تناسلی مردان و زنان خنثی است که در واقع نوعی تشوهی خلقی می باشد و می تواند در جنس مذکر و مؤنث موجود باشد، قبلاً تعریف آن گذشت و در این مبحث انواع خنثی، تشخیص خنثی و تأثیر خنثی بر تفریق زوجین را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱۳.۱. انواع خنثی از دیدگاه فقهی

از نظر فقهای اسلامی خنثی به دو گونه تقسیم می شود؛ خنثی مشکل و غیر مشکل.

۱۳.۱.۱. **خنثی غیر مشکل:** عبارت از فردی است که علامه مردانگی یا زنانگی بر وی روشن و واضح می باشد و فهمیده می شود که وی یک زن است یا مرد و در تفکیک جنسیت آن کدام مشکل وجود ندارد. به این معنی که مردی است دارای خلقت زایدی زنانه یا زنی است که در او خلقت زایدی مردانه وجود دارد.

۱۳.۱.۲. **خنثی مشکل:** عبارت از حالتی است که نسبت به فرد خنثی هیچ گونه علامت که تشخیص شود وی مرد است یا زن در او دیده نمی شود، یا علامات مردانگی و زنانگی برای آن ها در حالت تعارض قرار دارد.

پس دانسته می شود که خنثی مشکل دو حالت دارد؛ یکی این که آلت دوگانه دارند با نشانه های مساوی و دوم اصلاً فرد هیچ آلت ندارد جز یک مجرا که به وسیله آن ادرار انجام می شود.^{۷۴}

۱۳.۲. تشخیص فقهی خنثی

فقهای کرام در مورد تشخیص فرد خنثی به مرد بودن و یا زن بودن وی علامات را برای قبل از بلوغ و بعد از رسیدن به سن بلوغ معیار قرار داده اند که اینک بیان می کنیم:

۱۳.۲.۱. در صورتی که به سن بلوغ نرسیده معیار محل مجرای ادرار است؛ یعنی اگر از عضو مردانه ادرار کند پسر و اگر از عضو زنانه ادرار کند زن محسوب می شود.

۱۳.۲.۲. در صورتی که به سن بلوغ برسد نشانه های ظاهری معیار قرار می گیرد یعنی داشتن ریش، انزال از آلت مردانگی یا قدرت جماع را دارا باشد مرد حساب می شود. در وقت عدم این علامات ظاهر به علامات خفی چون؛ شجاعت و مقابله با دشمن نیز توجه می شود.

اما اگر بروی عضو سینه آشکار شود یا عادت ماهوار ببیند یا عمل جماع با او ممکن شود و امکان ولادت بروی باشد زن محسوب می شود. در غیر صورت تمایل او به زن یا مرد بودن معیار قرار می گیرد، در عدم موجودیت این علامات فرد به خنثی مشکل حکم می شود.^{۷۵}

^{۷۴} بن همام، فتح القدير، ۵۰۴/۸.

^{۷۵} وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية. الموسوعة الفقهية الكويتية، ۲۰/۲۲-۲۳.

فقهای کرام در همان عصر که زندگی می‌کردند علامات ظاهر و خفی را برای تشخیص خنثی بیان داشته‌اند؛ اما امروز در عصر که ما زندگی میکنیم بهتر است از امکانات طبی روز نیز استفاده شود، یعنی با مراجعه به اطباء و بعد از معاینه دیده می‌شود که بروی علامات (کروموزومی و غددی) مرد غالب است یا زن سپس می‌توان به اساس آنچه فقهای کرام بیان داشته‌اند حکم آنرا در احکام بر مباحث مختلف جاری کرد.^{۶۶}

۳.۱۳. تأثیر خنثی بر تفریق زوجین

با توجه به بحث که قبلاً بیان شد دانستیم خنثی نزد فقهای کرام دو قسم (خنثی مشکل - خنثی غیر مشکل) است و حکم تأثیر آن بر تفریق را اینک توضیح می‌دهیم:

خنثی غیر مشکل، به اساس علامات که بر وی وجود دارد وضعیت اش روشن است؛ یعنی یا مرد است یا خلقت عضو زائید یا زن است با خلقت عضو زائید؛ برین اساس نزد فقهاء نکاح خنثی غیر مشکل جواز دارد؛ زیرا زن یا مرد بودن وی واضح است اگر حالت مرد غالب بود باز نکاح کرده می‌تواند اگر حالت زنانگی بروی غالب بود با مرد می‌تواند ازدواج کند.

در «فتح‌القدیر» چنین می‌آید: «مَنْ يَتَبَيَّنُ فِيهِ عِلَامَاتُ الذَّكُورَةِ أَوْ الْأُنْثَى، فَيَعْلَمُ أَنَّهُ رَجُلٌ، أَوْ امْرَأَةٌ، فَهَذَا لَيْسَ بِمُشْكِلٍ، وَإِنَّمَا هُوَ رَجُلٌ فِيهِ خِلْقَةٌ زَائِدَةٌ، أَوْ امْرَأَةٌ فِيهَا خِلْقَةٌ زَائِدَةٌ، وَحُكْمُهُ فِي إِرْتِنِ وَسَائِرِ أَحْكَامِهِ حُكْمُ مَا ظَهَرَتْ عِلَامَاتُهُ فِيهِ»^{۶۷} ترجمه: "کسی که در او نشانه‌های مردی یا زنی آشکار گردد و معلوم شود که مرد است یا زن، اختلافی در حکم او نیست؛ او مردی است که یک عضو اضافی دارد یا زنی است که یک عضو زائد در بدن دارد. و حکم او در ارث و سایر احکام، همان حکم کسی است که علامت واقعی جنسیتش آشکار شده است".

اما در مورد نکاح خنثی مشکل که به اعتبار مساوی بودن در علامات زن و مرد بودن که امکان ترجیح را ندارد، فقهای احناف چنین قول کرده‌اند: نکاح خنثی مشکل موقوف است تا زمانیکه حالتش تشخیص شود آثار نکاح بروی نافذ نمی‌گردد، هم‌چنان نکاح خنثی مشکل با خنثی مشکل نیز موقوف است تا زمانیکه مرد یا زن بودن وی روشن نشود. در «بحر‌الرائق» چنین آمده: «إِنْ زَوَّجَهُ الْآبُ امْرَأَةً وَبَلَغَ وَظَهَرَ عِلَامَاتُ الرِّجَالِ وَنَحْوَهُ حُكْمُ بِجَوَازِ النِّكَاحِ إِلَّا أَنَّهُ إِذَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ يُؤَجَّلُ سَنَةً كَمَا يُؤَجَّلُ غَيْرُهُ إِذَا لَمْ يَصِلْ إِلَى امْرَأَتِهِ وَلَوْ أَنَّ هَذَا الْخُنْثَى الْمُشْكِلَ تَزَوَّجَ خُنْثَى مِثْلَهُ فَالنِّكَاحُ يَكُونُ مَوْقُوفًا إِلَى أَنْ يَسْتَبَيَّنَ حَالُهُمَا فَإِنْ تَبَيَّنَ حَالُهُمَا فَالنِّكَاحُ جَائِزٌ»^{۶۸} ترجمه: "اگر پدر، او را (کسی را که سابقاً خنثی بوده ولی بعداً جنسیتش روشن شده) به زنی تزویج کند، و

^{۶۶} زهیر احمد سباعی، بار محمد علی، الطیب ادبه و فقهه (کویت: دار السلاسل، ۱۴۰۴ هـ. ق)، ۳۲۳.

^{۶۷} ابن همام، فتح‌القدیر، ۵۰۴/۸.

^{۶۸} ابن نجیم، البحر‌الرائق شرح کنز الدقائق، ۵۴۰/۸.

او بالغ گردد و نشانه‌های مردانگی در او ظاهر شود و مانند آن، ازدواج او صحیح و معتبر دانسته می‌شود. ولی اگر نتوانست با همسرش آمیزش کند، یک سال به او مهلت داده می‌شود؛ همان‌گونه که هر مرد دیگر اگر به همسرش نرسد، به او مهلت یک ساله داده می‌شود. و اگر این خنثی مشکل با خنثی مشکل دیگری ازدواج کند، ازدواج موقوف می‌ماند تا وضعیت جنسی هر دو روشن شود؛ پس اگر وضعیت‌شان روشن شد، ازدواج صحیح و نافذ می‌گردد.

۱۴. شکاز (زودانزالی) و تأثیر آن بر تفریق زوجین

هم‌چنان یکی دیگر از حالت ناتوانی جنسی اینست که فرد زود انزالی دارد قسمی که بعد از نعوظ (انتشار آلت تناسلی) قبل از عمل مباشرت و دخول با زوجه انزال می‌گردد، این حالت شخص در کتب فقهی احناف به اصطلاح (شکاز- زملق) نامیده شده است. در چنین حالت برای زوجه حق اختیار تفریق ثابت است؛ زیرا در فقه احناف برای زوج اینکه اصلاً نعوظ نداشته مانند عنین، یا نعوظ دارد اما قبل از عمل مباشرت جنسی انزال می‌گردد و آلتش سست می‌شود و دیگر آلت تناسلی‌اش برای همبستر شدن نعوظ پیدا نمی‌کند کدام تفاوت ندارد.^{۶۹}

درین مورد اثری است؛ عیینه بن عبدالرحمن از پدرش روایت می‌کند زنی نزد سمره بن جندب رضی الله عنه آمد و خاطرنشان کرد که شوهرش به اساس زود انزالی نمی‌تواند با وی جماع نماید. وی از حضرت معاویه رضی الله عنه در خواست فتوی کرد و او چنین نوشت: «أَنَّ زَوْجَهُ أَمْرَأَةً مِنْ بَيْتِ الْمَالِ لَهَا حَظٌّ مِنْ جَمَالٍ وَدَيْنٍ فَإِنْ زَعَمَتْ أَنَّهُ يَصِلُ إِلَيْهَا فَاجْمَعْ بَيْنَهُمَا وَإِنْ زَعَمَتْ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا فَفَرِّقْ بَيْنَهُمَا»^{۷۰} ترجمه: «از حساب بیت المال زنی زیبا و دیندار به نکاحش درآور، اگر آن زن پنداشت که وی با او جماع کرده، بین زن و شوهرش جمع کن و اگر آن زن گمان کرد که وی نتوانسته با او جماع کند، بین‌شان تفریق کن».

هم‌چنان در مورد زن که شوهرش سحر شده و قدرت توانای عمل مباشرت جنسی را ندارد برایش مهلت داده می‌شود و در صورت عدم برگشت به حالت عادی حق خیار تفریق زوجه بر زوج ثابت می‌شود مانند شخص عنین. درین مورد در «بحر الرائق» چنین آمده: «الشَّكَازُ يَفْتَحُ الْمُعْجَمَةَ وَكَافٍ مُشَدَّدَةً وَبَعْدَ الْأَلْفِ زَايٍ هُوَ الَّذِي إِذَا جَذَبَ الْمَرْأَةَ أَنْزَلَ قَبْلَ أَنْ يُخَالَطَهَا ثُمَّ لَا تَنْتَشِرُ إِلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ لِجَمَاعِهَا وَهُوَ مِنْ قَبِيلِ الْعَيْنِ لَهَا الْمُطَالَبَةُ بِالتَّفْرِيقِ وَإِنْ كَانَ يَصِلُ إِلَى الثَّيْبِ دُونَ الْبِكْرِ أَوْ إِلَى بَعْضِ النِّسَاءِ دُونَ بَعْضِ لُضْعَفِ طَبِيعَتِهِ أَوْ لِكِبَرِ سِنِّهِ أَوْ سِحْرِ فَهُوَ عَيْنٌ فِي حَقِّ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا لِفَوَاتِ الْمَقْصُودِ فِي حَقِّهَا فَإِنَّ السَّحَرَ عِنْدَنَا حَقٌّ وَجُودُهُ وَتَصَوُّرُهُ وَيَكُونُ أَثَرُهُ»^{۷۱} ترجمه: «شکاز - با

^{۶۹} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۱۷۵/۳.

^{۷۰} احمد بن حسین البیهقی، السنن الکبری للبیهقی (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴هـ.ق)، ۳۷۱/۷.

^{۷۱} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۱۳۳/۴.

فتح شین و تشدید کاف و پس از الف، زای - کسی است که اگر زن را جذب کند (به سوی آمیزش بخواند)، پیش از آنکه با او نزدیکی انجام دهد منی خارج می‌شود، و پس از آن آلت او برای آمیزش با زن نمی‌گیرد و توانایی نعوظ ندارد این حالت از نوع ناتوانی جنسی (عنین) است و زن حق دارد درخواست جدایی کند. و اگر او بتواند با زن غیر باکره نزدیکی کند ولی با باکره نتواند، یا با برخی زنان بتواند و با برخی نتواند - به علت ضعف طبیعت، یا پیری، یا سحر - چنین فردی نسبت به زنی که نمی‌تواند با او آمیزش کند، عنین محسوب می‌شود؛ زیرا برای آن زن، مقصود زناشوئی از بین رفته است. و نزد ما (فقه حنفی)، سحر حقیقت دارد و وجود آن و تأثیرش ممکن است".

بعد از بررسی و تحقیق حاضر واضح گردید اینکه در عیوب؛ جب، خصاء، خنثی، عنه و شکاز فقهای احناف اتفاق نظر دارند و حق تفریق برای زوجه را ثابت می‌دانند؛ اما در سایر عیوب از نظر امام ابوحنیفه و امام ابویوسف رحمهما الله حق خیار تفریق برای زوجه از بین می‌رود زیرا منفعت عمل جنسی که مقصد اصلی نکاح بوده حاصل می‌شود. اما نزد امام محمد رحمه الله هر عیب که موجب ضرر رساندن برای زوجه گردد حق خیار تفریق ثابت است زیرا امام محمد رحمه الله حق خیار تفریق به سبب عیب را معطل به علت می‌داند که همان ضرر رسیدن برای زوجه است.

با در نظر داشت مباحث فوق، می‌توان حصری که از نظر شیخین و تعلیل که از نظر امام محمد نقل شده است چنین جمع نمود؛ تعلیل در عیوب از نظر فقهای احناف اصل است و عیوب معطل اند؛ و تصریح به حصر را بر عدم تحقق علت مؤثر در غیر عیوبی که تفریق را در آن‌ها منحصر دانسته اند، می‌توان حمل نمود.

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی منابع فقهی و اقوال فقهای مذهب حنفی، می‌توان نتایج تحقیق حاضر را به صورت یک جمع بندی تحلیلی و منسجم چنین بیان کرد:

تفریق در فقه اسلامی به معنای منع شوهر از همبستر شدن به زوجه اش توسط قاضی با واقع کردن طلاق به نیابت از شوهر می‌باشد. به این صورت که حاکم، در صورت تحقق اسباب معتبر شرعی، به نیابت از شوهر اقدام به واقع ساختن طلاق می‌نماید تا از استمرار ضرر در حق زوجه جلوگیری شود. در مذهب حنفی، اصل بر این است که حق درخواست تفریق در صورت وجود عیب در شوهر، صرفاً به زوجه تعلق دارد؛ زیرا شوهر ذاتاً از حق طلاق برخوردار است و نیازی به اثبات خیار تفریق ندارد، در حالیکه زوجه برای رهایی از نکاح نیازمند این حق می‌باشد.

فقهای حنفی همچنین تصریح کرده‌اند که اگر زوجه پیش از عقد یا بعد از آن، از عیب موجود در شوهر آگاهی داشته و با وجود علم به آن رضایت داده باشد، حق خیار تفریق از وی ساقط

می‌گردد؛ زیرا خیار برای دفع ضرر ثابت می‌شود و با رضایت آگاهانه، ادعای ضرر منتفی تلقی می‌گردد.

از منظر امام ابوحنیفه و امام ابویوسف رحمهما الله، عیب در نکاح به امری اطلاق می‌شود که مقصود اصلی و شرعی نکاح، یعنی تمکّن به جماع، را به طور کامل از بین ببرد. بر این اساس، آنان عیوب موجب خیار تفریق را محدود دانسته و در موارد مشخصی همچون جَبّ، عُنَّه، خِصَاء، خنثی و شکاز خلاصه کرده‌اند؛ زیرا این موارد به صورت مستقیم مانع تحقق هدف اساسی عقد نکاح می‌گردند. در مقابل، امام محمد رحمه‌الله دیدگاه موسّع‌تری اتخاذ نموده و عیوب را منحصر در موارد یادشده نمی‌داند؛ بلکه هر امری را که موجب ورود ضرر معتبر به زوجه از جانب شوهر شود، در حکم عیب تلقی کرده و برای زوجه حق خیار تفریق را ثابت می‌داند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ترجمه قرآن کریم. مترجم. مولانا محمود حسن. بی جا: نشر احسان، بی تا.
۲. ابن عابدین، محمد أمين بن عمر. رد المختار على الدر المختار. بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۲هـ.ق.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. المغنی. القاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸هـ.ق.
۴. ابن نجيم، زين الدين. البحر الرائق شرح كنز الدقائق. جلد ۵. بيروت: دار المعرفة، بی تا.
۵. ابن رشد، أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد. بداية المجتهد ونهاية المقتصد. القاهرة: دار الحديث، ۱۴۲۵هـ.ق.
۶. ابن همام، کمال الدين محمد بن عبدالواحد. فتح القدير. جلد ۵. پشاور: مكتبة حقانية، بی تا.
۷. ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا. معجم مقاييس اللغة. المحقق. عبد السلام محمد هارون. بيروت: دارالفکر، ۱۳۹۹هـ.ش.
۸. البيهقي، احمد بن حسين. السنن الكبرى للبيهقي. سوم. بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴هـ.ق.
۹. خليل، احمد بن محمد. شرح زاد المستقنع من فقه الحنبلي. بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۵هـ.ق.
۱۰. دسوقي، محمد بن أحمد. الشرح الكبير للشيخ أحمد الدردير على مختصر خليل. بيروت: دار الفكر، بی تا.
۱۱. الزيلعي، فخر الدين عثمان بن علي. تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق. القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۱۳هـ.ق.
۱۲. سباعی، زهير احمد، بار، محمد علي. الطيب / دبه وفقهه. كويت: دار السلاسل، ۱۴۰۴هـ.ق.
۱۳. السرخسي، محمد بن أحمد. المبسوط. جلد ۵. بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴هـ.ق.
۱۴. سمرقندي، محمد بن احمد. تحفه الفقهاء. جلد ۲. دوم. بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۴هـ.ق.
۱۵. الشافعي، محمد بن إدريس. الام. جلد ۳. بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰هـ.ق.
۱۶. الصنعاني، ابو بكر عبدالرزاق بن همام. المصنف. محقق. حبيب الرحمن الاعظمي. بيروت: المكتب الاسلامي، ۱۴۰۳هـ.ق.
۱۷. عيسى، ابوبكر بن ابى شيبة عبدالله بن محمد. الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار. رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹هـ.ق.
۱۸. قرشي، عبدالحفيظ. فتاوى قرشي. افغانستان - جوزجان: مكتبة الايمان، ۱۴۴۵هـ.ق.
۱۹. القزويني، احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة. محقق: عبدالسلام محمد هارون. بيروت: دارالفکر، ۱۹۷۹م.

۲۰. القزوينی، محمد بن یزید، ابن ماجه. سنن ابن ماجه. محقق. محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء الكتب العربيه، بی تا.
۲۱. قلعه جی، محمد رواس. معجم لغة الفقهاء. کراچی: انتشارات ادارة القرآن و العلوم الاسلاميه، بی تا.
۲۲. القشیری، مسلم بن الحجاج. صحيح المسلم. بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۲۳. الکاساني، علاء الدين. بدائع الصنائع. جلد ۶. بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۲۴. المرسى، ابوالحسن علی بن اسماعیل. المحکم والمحیط الاعظم. محقق: عبدالحمید الهنداوی. بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۲۵. المروزی، اسحاق بن منصور. مسایل الإمام احمد بن حنبل و اسحق بن راهويه. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۲۶. مرغینانی، برهان الدین. الهدایه فی شرح البدایه. جلد ۴. کویته: امیر حمزه کتب خانه، بی تا.
۲۷. معین، محمد. فرهنگ معین. تهران: کیهان، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۲۸. المالکی، أبو عبد الله محمد بن أحمد. منح الجلیل شرح مختصر خلیل. بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۹. نجاري، برهان الدین محمود بن أحمد. المیخبط البرهاني فی الفقه النعماني. بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۳۰. وزارة الاوقاف و الشئون الاسلاميه. الموسوعة الفقهية الكويتية. کویت: دار السلاسل، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۱. الهیتمي، أحمد بن محمد بن علي بن حجر. تحفة المحتاج فی شرح المنهاج. بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۵۷ هـ.ق.
۳۲. الهروي، محمد بن احمد. تهذیب اللغة. محقق: محمد عوض مرعب. بیروت: دار إحياء التراث، العربي، ۲۰۰۱ م.